

با نهج البلاغه بیشتر شویم

(پایه هفتم)

سلام

آنچه اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده، اما با همه کوچکی اش محتوای آن به وسعت دریاها بی کران، و به عظمت کوههای سر به فلک کشیده است. این کلمات و جملات، مانند دانه های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده تا با بیانی ساده برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه شما عزیزان را با کتابی که پس از قرآن، عالی ترین و گرانبه‌ترین کتاب انسان سازی است آشنا سازد. نهج البلاغه یعنی راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام که بعد از قرآن دومین کتاب شیعیان می‌باشد.

آشنایی با نهج البلاغه

نهج البلاغه، کتاب ارزشمند و بی‌همتایی است که دربردارنده برخی از سخنان و کلمات گهربار امام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) می‌باشد. کتاب نهج البلاغه در سه فصل جداگانه به ابتکار و ذوق علامه سید رضی (ره) تنظیم گردیده است.

فصل اول: خطبه‌ها، مجموعه سخنرانی‌های دلنشین و شورانگیز امام علی (علیه‌السلام) که شامل ۲۴۱ خطبه است.

فصل دوم: نامه‌ها، مجموعه نامه‌های امام به دوستان، دشمنان، استناداران، فرمانداران نظامی و دیگر مسئولان کشوری و... که شامل ۷۹ نامه می‌باشد.

فصل سوم: کلمات کوتاه و جملات زیبای حکمت‌آمیز، که مجموعاً ۴۸۰ کلمه می‌باشد.

شناسنامه نهج البلاغه

نام: نهج البلاغه	تاریخ تولد: سال ۴۰۰ - ه. ق	محل تولد: محله کرخ در بغداد
صاحب کتاب: حضرت علی (علیه‌السلام) امام اول مسلمین	گردآورنده: سید رضی (ره) از علماء قرن چهارم	
مدت جمع‌آوری: ۲۰ سال	مدت عمر: بیش از ۱۰۰۰ سال	
تعداد خطبه‌ها: ۲۴۱ خطبه	تعداد نامه‌ها: ۷۹ نامه	تعداد کلمات کوتاه: ۴۸۰ کلمه

گوهرهای ناب

تعدادی از جملات زیبا، آسان و دلپذیر از قسمت حکمتها و سخنان کوتاه نهج البلاغه آماده شده است که ما با به خاطر سپاری و عمل به آنها می‌توانیم شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را بیاموزیم و اصلاح کنیم.

۱- دوستی و خردمندی

«التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ» دوستی و مهربانی با مردم، نیمی از عقل است. (حکمت ۱۳۵)

شرح: یکی از راههایی که ما می‌توانیم تشخیص دهیم چه کسی عاقل و چه کسی نادان است، همین است که ببینیم آیا شخص مورد نظر با مردم دوستی و محبت می‌کند یا با هیچ‌کس از در مهر و محبت و دوستی وارد نمی‌شود. از آنجا که دوستی و محبت با مردم، یکی از مهمترین نشانه‌های عقل و شعور است، امام (علیه‌السلام) برای دوستی ارزش فراوانی قائل شده است، تا جایی که فرموده است: همین که شخصی با مردم دوستی و محبت کند، نشانه آن است که دست کم نیمی از عقل طبیعی یک انسان در او وجود دارد.

۲- بزرگترین عیب

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» بزرگترین عیب آن است که: عیبی را که خود نیز دارای در دیگران عیب بشماری. (حکمت ۳۴۵)

شرح: کسانی هستند که عیب و ایرادی را که در اعمال و رفتار خودشان وجود دارد، نمی‌بینند و به حساب نمی‌آورند، اما همینکه آن عیب را در شخص دیگری ببینند، زبان به عیبجویی و انتقاد باز می‌کنند و همه جا و پیش همه کس از عیب آن شخص سخن می‌گویند. امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: این خود بزرگترین عیب است که تو عیبی را در مردم بینی و آن را زشت و ناپسند بشماری و زبان به انتقادش بگشایی، در حالی که خودت نیز شبیه همان عیب را داشته باشی ولی به آن توجه نکنی.

۳- همه کاره، هیچ کاره

«مَنْ أَوْمَأَ إِلَى مُتَفَاوِتٍ؛ خَذَلْتَهُ الْحَيْلُ» کسی که به کارهای پراکنده بپردازد، از یافتن راه حل صحیح برای آنها ناتوان می‌ماند. (حکمت ۳۹۵)

شرح: یک ضرب المثل فارسی که به پیروی از کلام امام (علیه‌السلام) در زیانما پیدا شده می‌گوید: همه کاره ها هیچ کاره اند یعنی انسان عاقل کسی است که به جای آنکه فکر و وقت خود را تلف کند و از هر کاری مقدار کمی یاد بگیرد، نیروی خود را صرف یادگیری و انجام یک کار می‌کند تا هم در زندگی شخصی موفق شود، و هم وجودش برای جامعه فایده بیشتری داشته باشند.

۴- احترام معلم

«لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ، وَبَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَى مَنْ سَدَّدَكَ» تیزی و برندگی زبانت را به سوی کسی که تو را سخن گو ساخته مگیر، و رسایی گفتار و قدرت بیان خود را بر ضد کسی که به تو قدرت گفتار آموخته است بکار مبر. (حکمت ۴۰۳)

شرح: یعنی هرگز نباید تیزی و برندگی زبان خود را به سوی پدر و مادر، یا خواهر و برادر بزرگتر، یا هر کسی که در راه به سخن آمدن ما زحمت کشیده است بگیریم. و همچنین هیچ گاه نباید رسایی کلام و قدرت بیانی را که از معلم و یا شخصی دیگری آموخته‌ایم بر ضد خود او بکار ببریم. زیرا چنین کاری ناسپاسی است و در اسلام ناسپاسی، زشت و ناپسند شمرده می‌شود.

۵- ادب آموزی از بی‌ادبان

«كَفَّاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سَبْلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ» برای آنکه ادب و آراستگی داشته باشی، همین قدر بس است که از انجام آنچه در دیگران نمی‌پسندی دوری کنی. (حکمت ۴۱۲)

شرح: امام (علیه‌السلام) تمام راهها و روشهایی که برای ادب و آراستگی و تربیت جامعه ممکن است بوجود آید، ۱۴۰۰ سال پیش از این در یک جمله کوتاه و بسیار عمیق و پر معنی خلاصه فرموده‌اند، و آن اینکه: اگر می‌خواهی مؤدب و آراسته و دارای اخلاق نیکو باشی، لازم نیست که راههای دشواری را طی کنی، بلکه فقط کافی است هر کاری که دیگری انجام داد و تو متوجه شدی که کار زشت و ناپسندی کرده است، خودت آن کار را انجام ندهی. به این ترتیب تو تمام کارهای زشت و ناپسندی که ممکن است کسی انجام دهد، از وجود خودت دور خواهی کرد و در نتیجه مبدل به شخصی خواهی شد که هیچ گونه زشتی و ناپسندی در وجودش پیدا نمی‌شود.

۶- غیبت کار ناتوانها

«الغيبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ» غیبت کردن، آخرین تلاش آدم ناتوان است. (حکمت ۴۵۳)

شرح: یک مسلمان مؤمن واقعی اگر نسبت به کسی ایراد و انتقادی داشته باشد باید بر اساس جرأت انسانی و اخلاق اسلامی رو در روی آن شخص، ایراد و انتقاد خود را بر زبان آورد، بدون ترس و واهمه او را امر به معروف و نهی از منکر کند. کسی که غیبت می‌کند، بدون شک آدم ناتوان و بی‌جرأتی است. زیرا همینکه می‌نشیند و پشت سر دیگران بدگویی می‌کند نشان می‌دهد که جرأت ندارد با آن افراد روبه رو شود و حرف خود را پیش روی آنها بر زبان آورد. و چون در خود قدرت و جرأت روبه رو شدن با آن افراد را نمی‌بیند، آخرین تلاشی که می‌تواند به کار ببرد، این است که به وسیله بدگویی کردن در پشت سر، انتقام خود را از آنها بگیرد و به اصطلاح دل خود را خنک کند.

۷- ایمان و راستگویی

«عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ عَلَى الْكُذْبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ» نشانه ایمان آن است که راستگویی را اگرچه به تو زیان برساند، بر دروغگویی اگرچه به تو سود برساند مقدم بداری. (حکمت ۴۵۸)

شرح: یعنی کسی که دارای ایمان محکم و راستین است نشانه‌هایی دارد که به وسیله آنها می‌توان او را از افراد بی‌ایمان، بازشناسی کرد. یکی از نشانه‌های مسلمان و مؤمن واقعی آن است که: شخص مؤمن سود واقعی را در اطاعت از دستورات خدا و زیان واقعی را در اطاعت نکردن از دستورات خدا می‌داند، از آنجا که خداوند به ما دستور داده که همیشه راست بگوییم و از دروغگویی پرهیز کنیم، مسلمان باایمان نیز هرگز حاضر نمی‌شود بر خلاف این دستور رفتار کند. تا جایی که حتی اگر زمانی راست گفتن به زیانش باشد و دروغ گفتن به او سود برساند، از سود دروغ گفتن چشم می‌پوشد، و زیان راست گفتن را به جان می‌پذیرد و لب به دروغگویی باز نمی‌کند. زیرا مؤمن، سود و زیان واقعی را نزد خدا می‌داند و بس.

۸- چه بسا که یک بار خوردن

«كَمْ مِنْ أَكَلَةٍ، تَمْنَعُ أَكَلَاتٍ» بسا که یک خوردن چیزی، تو را از خوردن بسیاری از خوردنی‌های دیگر محروم کند. (حکمت ۱۶۲)

شرح: این سخن امام (علیه السلام) به ما می آموزد که: در هر کاری، باید به عاقبت آن هم بیندیشیم و صلاح خود را تشخیص دهیم. یعنی اگر دیدیم در کاری با یک بار استفاده کردن، چندین استفاده بعدی را از دست می دهیم، باید از انجام آن کار خودداری کنیم، مثل پر خوری و...

۹- میانه رو تنگدست نمی شود

«ما عالٍ مَنِ اقْتَصَدَ» کسی که در خرج کردن میانه روی کند، تنگدست نمی شود. (حکمت ۱۴۰)

شرح: سخن امام (علیه السلام) نیز به ما می آموزد: انسان هر قدر هم که درآمد زیاد داشته باشد، اگر در خرج کردن اندازه نگه ندارد، درآمدش تمام شده و خودش نیز تنگدست و محتاج می شود. اما کسی که عقل معاش دارد و پولش را به اندازه خرج می کند، هیچگاه تنگدست و محتاج نخواهد شد.

۱۰- تندخویی دیوانگی است

«الْحِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ، لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ. فَإِنَّ لَمْ يَنْدَمْ؛ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكَمٌ» تندخویی یک نوع دیوانگی است زیرا تندخو پشیمان می شود، و اگر پشیمان نشود دیوانگی اش پایدار شده است. (حکمت ۲۴۷)

شرح: شخص تندخو نمی تواند بر اعصاب خود مسلط باشد و اعمال و رفتار خود را مهار کند. در نتیجه هنگام خشم و تندخویی، دست به کارهایی می زند که عقل سالم انجام آن را نمی پذیرد، زبان به بی ادبی و فحاشی می گشاید، دست به شکستن و پاره کردن و دور ریختن چیزهای مختلف می زند. با دیگران نزاع و کتک کاری می کند و باعث زخم و جراحت خود یا دیگران می شود. چه بسا دیده شده که خشم و تندخویی یک نفر. باعث نزاع دسته جمعی خانواده و دوستانش شده، و سرانجام در میان آنها جنایت و فاجعه ای رخ داده. یا زیان و خسارت جبران ناپذیر دیگری پیش آمده است. وقتی شخص تندخو در حالت خشم به سر می برد و باعث ایجاد چنین مشکلات و مصیبت‌هایی می شود، حالت او شبیه نوعی دیوانگی است. زیرا او هم در آن لحظات، مانند دیوانگان بر اعصاب خود تسلط ندارد و متوجه نیست که مرتکب چه کارهایی می شود.

۱۱- حکمت‌های ایمان، نماز، و ...

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ، وَالصِّيَامَ ابْتِلَاءً لِاخْتِلاصِ الْخَلْقِ، وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ، وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ، وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلسُّفَهَاءِ، و...» خداوند ایمان را برای پاک شدن دلها از آلودگی کفر و شرک، و نماز را برای پاک بودن از سرکشی و نافرمانی واجب کرد، زکات را وسیله‌ای برای روزی مستمندان، و روزه را وسیله‌ای برای آزمایش اخلاص بندگان قرار داد، حج را برای نیرومند شدن دین، و جهاد را برای شکوه و سربلندی اسلام واجب ساخت، امر به معروف را به خاطر اصلاح توده ناآگاه مردم، و نهی از منکر را برای باز داشتن افراد بی خرد از کارهای زشت و گناه آلود مقرر کرد. (حکمت ۲۵۲)

شرح: امام (علیه السلام) در این جمله‌های کوتاه و پر معنی فلسفه ایمان، نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر را تشریح فرموده، و درباره واجب بودن هر یک توضیحی دقیق و عمیق داده اند.

۱۲- در دوستی و دشمنی اندازه نگهدار

«أَحِبَّ حَبِيْبَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا. وَأَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيْبَكَ يَوْمًا مَا» در دوستی با دوست خود اندازه نگهدار، به خاطر آنکه شاید روزی با تو دشمن شود، و در دشمنی با دشمن خود اندازه نگهدار، به خاطر آنکه شاید با تو دوست شود. (حکمت ۲۶۸)

شرح: در دوستی و دشمنی نیز همچون مسائل دیگر، باید میانه روی کرد و اندازه نگه داشت. چون زیاد روی در دشمنی و یا دوستی نیز ممکن است زیان‌هایی متوجه ما سازد که دیگر قابل جبران نباشد. وقتی با کسی دوست می شویم نباید در معاشرت با او آن قدر زیاده روی کنیم که بیش از اندازه به حریم زندگی ما نزدیک شود و تمام اسرار ما را بداند، زیرا ممکن است روزی بین ما اختلافی پیدا شود و آن دوست به صورت دشمن ما درآید. در آن صورت، او، چون تمام اسرار ما را می داند و از آنچه در حریم خانواده ما می گذرد آگاه است، می تواند از دانسته‌های خود بر ضد ما سوء استفاده کند و ضربه‌هایی به ما بزند که دیگر قابل جبران نباشد. در دشمنی نیز باید میانه رو باشیم و اندازه نگه داریم، یعنی نباید دشمن را آن قدر اذیت و آزار کنیم و آن قدر درباره اش سخنان زشت و زننده بگوییم که اگر روزی با یکدیگر دوست شدیم به خاطر کارها و حرف‌های خود شرم‌منده و خجل باشیم.

۱۳- زبان عاقل و زبان احمق

«لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ» زبان عاقل، پشت قلب او قرار دارد، و قلب احمق، پشت زبان او جای گرفته است (عاقل با اندیشه سخن می گوید، و نادان بی فکر) (حکمت ۴۰)

شرح: انسان عاقل وقتی بخواهد سخن بر زبان آورد نخست به دل و اندیشه خود مراجعه می کند، معنی آن سخن و نیکی یا بدی آن را با عقل و شعور خود می سنجد، نتیجه ای را که ممکن است از آن حاصل شود حساب می کند و هنگامی که به درستی و خوبی سخن خود اطمینان یافت آن را بر زبان می آورد. پس عاقل قلب و اندیشه اش را پیش از زبانش به کار می اندازد، و زبانش را پشت سر عقل و شعور خود نگاه می دارد. اما احمق بر عکس رفتار می کند. یعنی هر سخنی که به زبانش آمد نسنجیده و بدون فکر و اندیشه بیان می کند، و پس از آنکه سخن او در دیگران، تأثیر بد گذاشت، تازه به فکر می افتد که آیا سخنش درست بوده یا نادرست. یعنی احمق نخست زبان خود را به کار می اندازد و نسنجیده حرف می زند، و بعد از آن به قلب و عقل خود مراجعه می کند و در باره نیک و بد سخن خود و نتیجه و حاصل آن می اندیشد. به همین دلیل است که خردمندان، از قدیم گفته اند: سخنی که درباره آن کاملاً فکر نکرده ای بر زبان مياور.

۱۴- آخرت، نتیجه دنیا

«أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ، تُنْصَبُ أَعْيُنُهُمْ فِي آجَلِهِمْ» کارهایی که بندگان در این دنیا انجام می دهند، روز قیامت در برابر چشمهایشان خواهد بود. (حکمت ۶)

شرح: امام (علیه السلام) چنین خبر می دهد که: هر کاری که بندگان، در دنیا انجام می دهند، خداوند با تمام جزئیاتش ضبط و حفظ می کند و در روز قیامت تمام آن کارها را که در نامه عمل هر کس محفوظ مانده است، جلوی چشم بندگان مجسم می سازد، و بدانند که خداوند هر کس را به نسبت اعمال نیک و یا بدش پاداش یا کیفر می دهد. و در آن روز سختترین عذابها برای کسانی است که کارهای بدی که در این دنیا انجام داده اند در آن دنیا مقابل چشمشان مجسم می شود.

۱۵- پرهیز از جایگاه تهمت

«مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التَّهْمَةِ؛ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» کسی که خود را در معرض بدنامی و جایگاه تهمت قرار می دهد، نباید کسی را که به او گمان بد می برد ملامت کند. (حکمت ۱۵۹)

شرح: یکی از دستورهای اسلامی این است که: مسلمان مؤمن نباید فقط به این که کار بد نمی کند و حرف بد نمی زند، راضی و خشنود باشد. بلکه باید از شنیدن حرف بد و دیدن کار بد نیز خودداری کند، یا اگر در جایی کارهای گناه آلود انجام شود نباید در آنجا درنگ کند. اگر چنین کند نباید کسانی را که به او بدگمان شده و تهمت زده اند، ملامت کند. زیرا تقصیر از خود اوست که با قدم گذاشتن به چنان مکانهایی، در دل دیگران، نسبت به خود بدگمانی ایجاد کرده است.

۱۶- فرصت را از دست ندهیم

«أَضَاعَهُ الْفُرْصَةَ غُصَّةً» از دست دادن فرصت، مایه غم و اندوه است. (حکمت ۱۱۴)

شرح: عمر انسان کوتاه و زودگذر است و فرصتهای زندگی کوتاهتر و زودگذرتر از آن. هر روزی که از عمر انسان می گذرد، تعدادی از فرصتهای زندگی او نیز برای همیشه از دست می رود و نابود می شود. به همین دلیل است که انسان باید هر فرصتی را که پیش می آید، غنیمت بشمارد و از آن بهترین استفاده را بکند. و گرنه از دست دادن فرصت مایه غم و اندوهی می شود که به هیچ قیمتی قابل جبران نخواهد بود.

۱۷- ناتوانتر از ناتوانترین

«أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْاِكْتِسَابِ الْاِخْوَانِ. وَأَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ» ناتوانترین مردم کسی است که در به دست آوردن دوست ناتوان باشد، و ناتوانتر از او کسی است که دوست به دست آمده را از دست بدهد. (حکمت ۱۱)

شرح: علی (علیه السلام) می فرماید: یکی از نشانه های قدرت روح و توانایی اخلاق این است که انسان بتواند با اخلاق خوب و رفتار انسانی و مناسب، برای خود دوستان زیادی پیدا کند. پس کسی که نمی تواند برای خود دوست صمیمی و خوبی پیدا کند، از لحاظ روحی و اخلاقی، عاجز و ناتوان است. اما، ناتوانتر از او، کسی است که دوستی را که پیدا کرده، نتواند برای همیشه نگه دارد. یعنی با رفتار بد و اخلاق نامناسب خود، دوستان به دست آمده را از دست بدهد و در زندگی اجتماعی تنها بماند. زیرا نگهداری دوست دشوارتر از به دست آوردن دوست است. یعنی برای حفظ دوستان به دست آمده بیش از یافتن دوستان جدید، قدرت روحی و اخلاق لازم است.